
تربیت و آموزش جنسی مرتبط با اعضای جنسی کودک در اسلام^۱

احمد امامی راد^۲

مریم مشهدی علیپور^۳

چکیده

تربیت جنسی یکی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیتی است. تعامل‌های تربیتی مرتبط با اعضای جنسی متربی از مهم‌ترین مسائل آن به شمار می‌رود. با توجه به امکان عدم اعتنای کافی به این امر در دوران کودکی، پژوهش حاضر با هدف استخراج مسائل فقهی مرتبط با آن در حیطه تربیت و آموزش جنسی، با روش کیفی به اکتشاف آن با تحلیل مفهومی آیات و روایات مورد نظر پرداخته است. در این راستا پوشاندن اعضای جنسی خود از دید متربی ممیز در همه وقت، مخصوصاً اوقات خاص مجامعت، نگاه نکردن به اعضای جنسی متربی و نیز مباشرت نکردن با آن بررسی شده و به این نتیجه رسیده است که: نگاه کردن به اعضای جنسی متربی ممیز جایز نیست و اعضای جنسی خود را نیز باید از دید او پوشاند. آموزش این امر در دوران کودکی نیز مطلوب اسلام است. در این مسئله فرقی در جنسیت نگاه کننده و نگاه‌شونده

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۴/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۲۱.

۲. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)
(Ahmad_Emami.rad@islamic-rf.ir)

۳. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران: ایران،

(Mashhadim911@yahoo.com).

نیست. این امر به نوعی آموزش جنسی برای کودک نیز محسوب شده و آموزش عملی نیز می‌باشد. چنین آموزشی در اوقات خاص مجامعت با اجازه‌خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت اولیا به طور خاص مورد تأکید است. شیوه‌های آموزش جنسی می‌تواند متنوع بوده و علاوه بر آموزش مستقیم، به صورت قصه‌گویی یا آموزش عملی نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: استیزان، مجامعت، جنسیت، عورت، خلوت.

مقدمه

گریزه طبیعی جنسی که خداوند در انسان به ودیعه گذارده است، از آغاز تولد بوده و توجه به تربیت شایسته در این زمینه، علاوه بر مسيردهی مطلوب به آن، از بسیاری از نابهنجاری‌های مرتبط خواهد کاست. «تربیت جنسی» به عنوان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیت، از سوی مکاتب و ادیان مختلف از مصر باستان (الید، ۲۰۰۴م) و برهمایی (ترابی، ۱۳۴۱ش: ۱۰۴) و بودایی (دورانت، بی‌تا: ۶۲۵؛ الدنبروک، ۱۳۷۳ش: ۳۳۶؛ مهرین، ۱۳۵۷ش: ۱۱۷؛ ترابی، ۱۳۴۱: ۱۲۲) و سنی سیسم (نوری، بی‌تا: ۵۵ و دورانت، بی‌تا: ۶۹/۹) و جانی (شاله، ۱۳۴۶ش: ۱۰۸) گرفته تا پیروان یهود (بیال، ۱۹۹۷م: ۶۲۳) و مسیح (هاید، ۱۹۸۶م: ۴؛ به نقل از اوحدی، ۱۳۸۴ش: ۳۵) و دیگر ادیان و نیز نظریه‌پردازان و متولیان عرصه تربیت دینی و خاص اسلامی، مورد توجه بوده است که مجال ذکر نیست (ر.ک: موسوی و امامی‌راد، ۱۳۹۸ش، فصل دوم؛ اعرافی، ۱۳۹۶ش، ج ۲۶، فصل اول). فقهاء نیز در ابواب مختلف فقه به این امر و احکام مربوط به آن اشاراتی داشته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۲۹؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۲؛ نراقی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۲۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۳۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۹۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۸؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۵۴؛ ...). هرچند تحقیق جامع در این باره کمتر به چشم می‌خورد.

تربیت جنسی در دوره‌های مختلف تربیتی جریان دارد و در دوران کودکی اهمیت ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد، زیرا سوددهی مطلوب یا نامطلوب جنسی در دوران کودکی تأثیرات بسزایی بر بزرگسالی فرد خواهد داشت. در این میان، برخی تعاملات تربیتی

در تربیت جنسی فرزند، مربوط به اعضای جنسی متربی است و نیازمند به بررسی عمیق اجتهادی در این زمینه می باشد تا به سؤالاتی چون نگاه کردن یا نکردن به اعضای جنسی کودک و بازی با آن و نیز دیده شدن عورت مربی توسط کودک پاسخ داده شود. نقش جنسیت مربی و کودک در این زمینه نیز از سؤالات مهم افراد است.

برای پاسخ گویی به سؤالات فوق این پژوهش در چهار حیطه به بررسی این مسئله پرداخته است:

۱. پوشاندن اعضای جنسی خود از دید بچه در همه وقت؛

۲. پوشاندن اعضای جنسی خود در اوقات خاص مجامعت؛

۳. نگاه نکردن به اعضای جنسی کودک؛

۴. عدم مباشرت با اعضای جنسی بچه.

علاوه بر اثرات پیشگیرانه این روش ها، نوعی آموزش جنسی نیز در این مسائل وجود دارد که توضیح داده خواهد شد.^۱ در واقع، ارائه آموزش جنسی در دوران کودکی گاه به صورت غیرمستقیم است که خواهند آمد. از این رو، وقتی سخن از محتوای آموزش جنسی در این دوران به میان می آید، به معنای این نیست که عین همین محتوا به کودک ارائه شده و ادله دینی آن بررسی شوند، بلکه مقصود این است که چنین محتوایی برای آموزش کودک مناسب است؛ هرچند به صورت غیرمستقیم مثل روش الگویی و قصه و نمایش و امثال آن باشد؛ هرچند گاه کودک علت آن را نداند.

پوشاندن اعضای جنسی خود از دیده بچه ممیز

از روش های تربیت جنسی، «پوشاندن اندام جنسی خود از دیده شدن» است. این امر علاوه بر اثرات فردی، اثرات تربیتی نیز دارد؛ از این رو، به عنوان روشی از روش های تربیت جنسی

۱. تربیت و آموزش معانی متعددی دارند که مجال ذکر نیست. در یک اصطلاح تربیت عام تر از آموزش است و فعالیت های آموزشی در شمار اقدام های تربیتی محسوب می شود (ر.ک: علیرضا اعرافی،

مورد توجه قرار می‌گیرد. با این‌که این امر در ضمن روش‌های «استیزان» و «مراقبت از دید کودکان در مجامعت»، در موارد خاص (اوقات خلوت و مجامعت)، به‌طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته و در ادامه خواهد آمد، اما این مسئله به مطلق «پوشاندن اعضای جنسی» در همه حال و همه زمان‌ها، به‌منظور پیش‌گیری از دیده‌شدن آن توسط متربی اشاره دارد.

از آن‌جا که این امر در ابواب دیگر فقه، از جمله «لباس نمازگزار» و «آداب حمام» مورد بررسی قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱ من ابواب احکام الخلو، باب ۳ و ۹ و مابعد من ابواب آداب الحمام، باب ۵ من ابواب لباس المصلی)، در این‌جا به بررسی مختصر برخی ادله اکتفا شده و در نهایت جمع‌بندی و احکام فقهی آن در تربیت جنسی مورد اتمام واقع خواهد شد.

آیه ۳۰ سوره نور

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور، آیه ۳۰ و ۳۱)؛ به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود را نگه دارند. این برایشان پاکیزه‌تر است. زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است. و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند).

در این آیه شریفه خداوند با خطاب به پیامبر ﷺ، محتوای خاص مرتبط با آموزش جنسی آمده است. خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید که آموزش پوشاندن چشم و حفظ فرج را داشته باشد. البته مضمولین آیه افراد مکلف است، اما تمرین عملی آن قبل از زمان تکلیف بوده و آموزش این امر برای افراد ممیز امری مطلوب است.

برخی حفظ فرج در این آیه را مختص به حفظ آن از دیده‌شدن دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۱۱؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۶۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۴۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۳۲؛ طباطبائی بروجردی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ طباطبائی قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۵۶۸) و در روایاتی ذیل آیه شریفه هم به این اختصاص اشاره شده است. مثل

موتقه ابی بصیر: «و قوله: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْبُسَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ. فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ مِنَ الزَّوْنِ - إِلَّا هَذِهِ الْآيَةَ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ فَلَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ - وَلَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا» (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۵۱)؛ ... در هر آیه‌ای از قرآن که واژه فروج آمده، درباره زنا است؛ مگر این آیه؛ پس همانا درباره نظر است؛ پس برای مرد مؤمن حلال نیست که به فرج برادرش نگاه کند و برای زن حلال نیست که به فرج خواهرش نگاه کند».

در این روایت به صراحت آمده است که مراد از حفظ فرج در آیه شریفه، حفظ از دیده شدن است.

حتی بنا به قول به عدم این اختصاص (حسینی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۴۰)، مفاد آیه شریفه عام بوده و نه تنها شامل نگاه هم می‌شود، بلکه مصداق آشکار حفظ فرج، حفظ آن از دیده شدن می‌باشد.

این پوشاندن در برابر کلیه افراد (به غیر از کسانی که مستثنی هستند، یعنی همسر و کنیزان (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۱۰۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۹، ص ۲۷۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۸۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۲، ص ۲۲۲)) لازم بوده و شامل متربی خردسال نیز می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۲۹) و قدر یقینی آن، بعد از سن تمییز کودک (اعرافی، ۱۳۹۶ ش، ج ۲۶، ص ۱۶۱) و حتی مقداری قبل از سن تمییز است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، جنسیت نگاه‌کننده و نگاه‌شونده در لزوم پوشش دخیل نیست و شامل هر دو مذکر و هر دو مؤنث و یکی مذکر و دیگری مؤنث می‌گردد. بدیهی است که این پوشاندن اعم است از این‌که به صورت مستقیم و مباشرتی دیده شود و یا به صورت غیرمستقیم باشد.

۱. درست است که شیخ انصاری به معیار «تمییز» در جواز نگاه به عورت بچه نظر دارد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۱/۴۲۵) اما عبارتی در ادامه نظر خود آورده است: «و الظاهر أن معيار الاحترام في الناظر والمنظور إليه واحد، و هو بلوغ الإنسان حدًا يستنكف بجلته عن النظر إلى سواته»؛ (همان). به نظر می‌رسد سنی که به طور طبیعی استنکاف از دیده شدن عورت خود دارد، قبل از سن تمییز هم می‌باشد.

این حفظ در پیشگیری از تصویربرداری و گناهان جنسی دخیل است و یکی از تأثیرهای تربیتی است. از سوی دیگر، حفظ عملی فرج از سوی والدین، خود الگوی عملی برای کودک است و به نوعی آموزش این امر برای کودک به شمار می‌رود. در این باره روایات دیگری نیز وارد شده است که مجال بررسی نیست (کلینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۶، ص ۵۰۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۵۶/۲).

پوشاندن اعضای جنسی خود هنگام مجامعت

در متون اسلامی علاوه بر الزام بر پوشاندن اعضای جنسی خود در برابر کودک ممیز، در زمان مجامعت این امر تأکید بیشتری دارد که هم موجب عدم افشای رابطه جنسی با همسر و هم موجب دیده نشدن عورت توسط کودک می‌شود. این امر در دو بحث مورد توجه قرار گرفته است: مراقبت از دید کودکان در مجامعت، آموزش اجازه خواهی کودک هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء.

۱. مراقبت از دید کودکان در مجامعت

یکی از روش‌های تربیت جنسی که در متون اسلامی مورد توجه ویژه قرار گرفته است، «مراقبت از دید کودکان، در تمتعات خاص» است؛ بدین معنا که: اولیا و کسانی که با کودک ارتباط دارند، در آمیزش با همسر، احتیاط‌های لازم را انجام دهند تا این امر برای کودکان، آشکار نشود^۱ و در عین حال از دیده شدن عورت توسط کودک نیز پیشگیری شود. روایات زیادی در این زمینه وارد شده‌اند که نخست به آن‌ها اشاره شده و با توجه ضعف سند آن‌ها و لزوم اختصار،^۲ فقط قدر مشترکشان جمع‌بندی خواهد شد:

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ

۱. البته چنان‌که در *جوهر الکلام* آمده است که لزوم مراقبت از بزرگسالان به طریق اولی جریان دارد و لزوم اجتناب این امر در محل دید کودک بدین سبب مورد اهتمام قرار گرفته است که غالباً مراقبت در برابر کودک ملاحظه نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ۵۹/۲۹).

۲. توضیحات کامل: ر. ک: اعرافی، ۱۳۹۶ ش: ۷۸/۲۶ - ۱۲۰.

ابن راشدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارِيَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورِثُ الزَّانَا». (کلینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۵، ص ۵۰۰ و، ج ۲۰، ص ۱۳۲ و ۱۳۴)؛ هنگامی که در اتاق، کودکی حضور دارد، مردان با زنان یا کنیزان خود آمیزش نکنند؛ زیرا این عمل طفل را به راه زناکاری سوق می‌دهد.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَيْقِظٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا أَرَادَ أَنْ يَغْشَى أَهْلَهُ أَغْلَقَ الْبَابَ وَ أَرَخَى الشُّتُورَ وَ أَخْرَجَ الْخُدْمَ» (کلینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۵، ص ۵۰۱)؛ قسم به آن که نفسم به دست اوست، همانا اگر مردی با زنش در حالی مجامعت کند که در خانه کودک بیداری باشد و آن دو را می‌بیند و کلام و نفسشان را می‌شنود، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد، زناکار و اگر دختر باشد، دختر زناکار می‌گردد. علی بن حسین عليه السلام زمانی که می‌خواست با اهلش (همسرشان) خلوت کند، در را می‌بست و پرده‌ها را انداخته و خادم‌ها را خارج می‌کرد (دور می‌کرد).

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ بِسْطَامٍ وَ أَخُوهُ فِي طَبِّ الْأُمَّةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَلِيلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الثُّعْمَانِ بْنِ يَعْلَى عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «إِيَّاكَ وَ الْجِمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَبِيٌّ يُحْسِنُ أَنْ يَصِفَ حَالَكَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَرَاهَةَ الشُّنْعَةِ قَالَ لَا فَإِنَّكَ إِنْ رُزِقْتَ وَلَدًا كَانَ شَهْرَةً عُلَمَاءَ فِي الْفِسْقِ وَ الْفُجُورِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۱۳۴)؛ از مجامعت در جایی که کودک تو را می‌بیند و حالت را آن چنان درک می‌کند که قادر است به خوبی برای دیگران توصیف و تشریح نماید، بپرهیز. به رسول خدا صلى الله عليه وآله گفتم: کراهت شنیع دارد؟ فرمود: نه (بالاتر از آن)؛ پس همانا اگر از این مجامعت صاحب فرزند شدی، در فسق و فجور شهرت آشکاری خواهد داشت.

۴. حُسَيْنُ بْنُ بِسْطَامٍ وَ أَخُوهُ فِي طَبِّ الْأُمَّةِ عَنْ خَلْفِ بْنِ أَحْمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ سَلْمَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِيَّاكَ أَنْ تُجَامِعَ أَهْلَكَ وَ صَبِيٌّ يَنْظُرُ إِلَيْكَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَكْرَهُ ذَلِكَ أَشَدَّ كَرَاهِيَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰،

ص ۱۳۴)؛ از مجامعت با اهلت درحالی که کودکی نگاه می‌کند، بپرهیز؛ همانا رسول خدا ﷺ کراهت بسیار شدیدی نسبت به این امر داشتند».

۵. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَالصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا» (ابن أشعث كوفي، بی تا، ص ۹۶ و نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۲۲۸)؛ رسول خدا ﷺ از مجامعت مرد با زنش، درحالی که در گهواره کودکی که نظاره‌گر آن هاست، نهی کرد».

دلالت احادیث ذکرشده به اختصار موارد زیر است:

- با این که همه احادیث ذکرشده از لحاظ سندی ضعیف هستند، اما به نظر می‌رسد با توجه به ضم احادیث و اخذ قدر متیقن، توانایی دلالت بر حرمت مجامعت نزد کودک را دارند. این قدر متیقن در جایی است که کودک، بیدار و دارای توانایی توصیف حال است؛ اما در بقیه موارد، نمی‌توان به کراهت هم قائل شد، زیرا قدر مشترک از روایات، همین دو مورد است.

- حرمت هم در حضور پسر بچه و هم در حضور دختر بچه است.

- حرمت هم برای زن و هم برای مرد است.

- ممیزی بودن فرزند، ملاک حکم نیست و شامل بچه غیرممیزی هم می‌شود که درکی از مسائل و توصیف آن‌ها دارد؛ اما در شمول آن نسبت به کودک غیرممیزی که هنوز درکی از مسائل ندارد، تردید است.

- حضور نداشتن کودک در کل خانه، مراد نیست و نبودنش در اتاق خلوت، کفایت می‌کند.

- اگر در اتاقی که کودک بیداری است، طوری آمیزش شود که وی متوجه نشود، حرام

نیست (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶ ش، ج ۲۶، ص ۷۸-۱۲۰).

خلاصه آن که بر طبق این روش تربیت جنسی، اولیاء هنگام مجامعت احتیاط‌های زیادی برای جلوگیری از فاش شدن روابط جنسی و کشف اعضای جنسی خود انجام می‌دهند. آن‌ها با این کار، به نوعی الگوی عملی برای کودک نیز می‌گردند و عدم تعرض به اوقات خلوت را از همان دوران کودکی به صورت عملی به کودک یاد می‌دهند.

۲. آموزش اجازه‌خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء

اجازه‌خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء که از آن به عنوان «استیذان» در تربیت جنسی هم یاد می‌شود و در کتاب‌های روایی (کلینی، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۵۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۹۳، و، ص ۱۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۱۵؛ ونوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۸۲)، تفسیری (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۲۴۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۶۳؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۵۳ و...) و فقهی (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۸۳؛ فاضل کاظمی، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۲۸۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۶۴؛ هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۳۰؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۸۷ و...) بررسی شده است، از آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نور و روایات ذیل آن برمی‌آید که مجال بررسی مفصل آن نیست (بررسی بیشتر: ر.ک: امامی راد و طرفی، ۱۳۹۶ش و اعرافی، ۱۳۹۶ش، ج ۲۶، ص ۱۲۰-۱۵۳). از این رو، فقط به آیه و روایات آن اشاره شده و دلالت آن بر بحث مورد نظر خواهیم پرداخت.

آیه استیذان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور، آیه ۵۸ و ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان دارید باید کسانی که شما مالک آنان شده‌اید و کسانی که هنوز به بلوغ نرسیده‌اند، در شبانه‌روز سه وقت از شما اجازه ورود بگیرند: یکی پیش از نماز صبح و دوم هنگام نیم‌روز که جامه‌های خویش از تن در می‌آورید و سوم بعد از نماز شبانگاه. که این سه هنگام، هنگام خلوت شما است و پس از آن می‌توانند بدون اجازه وارد شوند و گناهی بر شما و ایشان نیست که هنگام تحرک و برخورد با یکدیگر است. خدا این چنین آیه‌ها را برای شما بیان می‌کند که خدا دانا و فرزانه است.»

روایات ذیل آیه استیذان

۱. موثقه فضیل بن یسار

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أُنثَىٰ لَكُمْ مَلَكَتُ أَيْمَانِكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قِيلَ: «مَنْ هُمْ؟ قَالَ: «هُمْ الْمُتَلَوُّونَ مِنَ الرِّجَالِ وَالتِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانُ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْكُمْ عِنْدَ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْعَوْرَاتِ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ وَهِيَ الْعَتَمَةُ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ وَغُلْمَانِكُمْ مِنْ بَعْدِ هَذِهِ الثَّلَاثِ عَوْرَاتٍ بَعِيرٍ إِذْنٍ إِنْ شَاءَ» (كليني، ۱۳۶۶ ش، ج ۵، ص ۵۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۲۱۷)؛ از امام صادق عليه السلام درباره کلام خدا که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید». فرمود: آنان، بردگان - چه مرد باشند و چه زن - و کودکان نابالغ هستند که بایستی در این سه هنگام از شما اجازه ورود بگیرند: بعد از نماز عشاء که همان «عتمه» است و هنگام ظهر که لباس های (معمولی) خود را درمی آورید. و پیش از نماز صبح. بردگان (و کودکان نابالغ) شما اگر تمایل داشته باشند، می توانند بعد از این سه هنگام بی اجازه وارد شوند و به کارهای زندگی برسند».

۲. روایت دوم ذیل آیه استیذان: موثقه ابن سنان

«حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أُنثَىٰ لَكُمْ إِلَى قَوْلِهِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَهَى أَنْ يَدْخُلَ أَحَدٌ فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَوْقَاتِ عَلَى أَحَدٍ لَا أَبٍ وَلَا أُخْتٍ وَلَا أُمَّ وَلَا خَادِمٍ إِلَّا بِإِذْنٍ وَهَذِهِ الْأَوْقَاتُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَنِصْفِ النَّهَارِ وَبَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ثُمَّ أَطْلَقَ بَعْدَ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَوْقَاتِ فَقَالَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۰۸؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۲۸۳)؛ خداوند نهی کرد که کسی در این سه وقت بر کسی بدون اجازه وارد شود؛ نه پدر و نه خواهر و نه مادر و نه خدمت کار. این سه وقت پس از سپیده دم و نیمه روز و پس از نماز عشاء آخر است. سپس بعد از این اوقات بر شما و آن ها باکی نیست که گردش کنان به یکدیگر باشید».

۳. روایت سوم ذیل آیه استیذان

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَيْسَتْ أَدْنُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ بَلَغَ الْحُلُمَ فَلَا يَلِجُ عَلَى أُمِّهِ وَ لَا عَلَى أُخْتِهِ وَ لَا عَلَى خَالَتِهِ وَ لَا عَلَى سَوْىِ ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنٍ فَلَا تَأْذُنُوا حَتَّى يُسَلِّمَ وَ السَّلَامُ طَاعَةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَتْ أَدْنُ عَلَيْكَ خَادِمِكَ إِذَا بَلَغَ الْحُلُمَ فِي ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ إِذَا دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ وَ لَوْ كَانَ بَيْتُهُ فِي بَيْتِكَ قَالَ وَ لَيْسَتْ أَدْنُ عَلَيْكَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الَّتِي تُسَمَّى الْعَتَمَةَ وَ حِينَ تُصْبِحُ وَ حِينَ تَصْعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ إِنَّمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ لِلْخُلُوةِ فَأَنْهَا سَاعَةَ غَيْرَةٍ وَ خُلُوةٍ» (كلینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۵، ص ۵۲۹)؛ غلامان شما که در منزلتان خدمت می‌کنند و کسانی که هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند، باید به امر خداوند سه بار اذن ورود بخوانند، و افراد بالغ اگر بخوانند بر مادر یا خواهر یا خاله خود و غیر آن‌ها وارد شوند باید اجازه بگیرند، و به اذن تنها اکتفا نکنند تا این که سلام کنند، و سلام طاعتی است از خدا و ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: خدمت زمانی که به بلوغ رسید، زمانی که نزد زنان آمد، در سه وقت اذن می‌گیرد؛ حتی اگر خانه خادم در خانه‌ات باشد؛ باید خادم از تو اذن بگیرد، بعد از زمان عشاء که عتمه (اول شب) نامیده می‌شود. و نیز زمان صبح و زمانی که در ظهر لباس‌هایتان را درمی‌آورید. همانا خداوند عزوجل به خاطر خلوت به این امر کرده؛ پس همانا آن (زمان‌ها) زمان خلوت است.»

۴. روایت چهارم ذیل آیه استیذان

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ قَالَ: هِيَ خَاصَّةٌ فِي الرِّجَالِ دُونَ النِّسَاءِ قُلْتُ فَالنِّسَاءُ يَسْتَأْذِنَنَّ فِي هَذِهِ الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ قَالَ لَا وَ لَكِنَّ يَدْخُلْنَ وَ يَخْرُجْنَ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ قَالَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالَ عَلَيْكُمْ اسْتِئْذَانٌ كَاسْتِئْذَانِ مَنْ قَدْ بَلَغَ فِي هَذِهِ

الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ» (کلینی، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۵۳۰)؛ این آیه مخصوص مردان (غلامان مرد) است نه زنان (کنیزان). گفتیم: پس زنان در این سه وقت اجازه می‌گیرند. گفت: نه؛ داخل و خارج می‌شوند و...».

۵. روایت پنجم ذیل آیه استیذان

«الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ الْحُصَيْنِيُّ فِي هِدَايَتِهِ، عَنْ تَيْفٍ وَ سَبْعِينَ رَجُلًا تَقَدَّمَ ذِكْرُ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ... «وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أُنْثَىٰ لَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ (فَبَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحَدَّ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَبَيْنَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ لِأَنَّهُ لَا يَضَعُ ثِيَابَهُ لِلنُّوْمِ إِلَّا بَعْدَهَا)» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳/۱۲۱).

این روایت که ناظر به تعیین اوقات توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد، به این امر نیز اشاره دارد که بعد از وقت نماز عشاء هنگام راحت کردن لباس می‌باشد. نکته خاص دیگری در این حدیث مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به لزوم اختصار، در جمع‌بندی احکام استخراج شده از آیه استیذان و روایات ذیل آن، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. مستحب است فرزندان غیربالغ هنگام ورود به اتاق خلوت اولیا، اجازه بگیرند و این عمل آن‌ها صرف عمل تمرینی نیست؛ بلکه ثواب الهی بر آن مترتب است.
۲. در تکلیف اولیا، دو امر مطرح می‌شود که هر دو اقتضایی است: استحباب تعلیم استیذان که این امر درباره فرزندان خود فرد است که به دلالت التزامی بر این امر دلالت دارد. دیگری، لزوم تحفظ که مطلق است.
۳. مقصود از ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ کسانی‌اند که در فضای خانواده با کودکانی، تعامل دارند؛ در نتیجه، از این آیه، وظیفه تربیتی کلیه نهادهای تربیتی و حکومت استخراج نمی‌شود؛ اما محدود به والدین هم نیست.
۴. مقصود از «لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» فقط اولاد نیست و تمام کسانی را شامل می‌شود که به نوعی

در تعامل خانوادگی با اولیا هستند. البته این امر در خصوص لزوم تحفظ اولیا، جریان دارد و درباره استحباب تعلیم استیذان نمی‌توان فراتر از فرزندان خودشان قائل شد.

۵. مقصود از «لم یبلغ الحُلُم» خصوص غیربالغ ممیز نیست و سنین پیش از تمییز را - که افراد، زمینه ادب‌آموزی را دارند - شامل می‌شود.

۶. استیذان مخصوص پسران نیست و اعم از دختر و پسر است.

۷. سه وقتی که در آیه آمده است، موضوعیت ندارد و مقصود از آن، اوقات خلوت است.

۸. از این آیه نمی‌توان لزوم محدودبودن اوقات خلوت اولیا را استخراج کرد.

۹. مقصود آیه استیذان، اعم از محرم و نامحرم است.

۱۰. در نفسی یا غیرری بودن استیذان، نمی‌توان به صورت قطعی به یکی از آن دو قائل شد؛ اما نفسی بودن آن قوی‌تر به نظر می‌رسد.

۱۱. تأکید اسلام بر آموزش اجازه‌خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت دیگران، از همان

دوران کودکی است. این امر در عادت‌دهی و تثبیت آن در بزرگسالی هم مؤثر است.

خلاصه آن‌که بر طبق آیه استیذان و روایات ذیل آن، اولیا علاوه بر تحفظ بر اوقات خلوت

خود، اجازه‌خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت دیگران را برای کودک آموزش می‌دهند. این آموزش از همان دوران کودکی مورد تأکید است تا عادت‌دهی به این امر در بزرگسالی هم باشد.

نگاه‌نکردن به اعضای جنسی بچه ممیز

علاوه بر ادله‌ای که نگاه‌کردن به اعضای جنسی دیگران را مورد نهی قرار داده‌اند،^۱ در روایاتی

به‌طور خاص «نگاه‌نکردن به اعضای جنسی بچه» نیز مورد تأکید قرار گرفته است. چنین

تأکیدهایی شاید به این خاطر باشد که ممکن است این امر با توجه به خردسالی نگاه‌شونده

مورد غفلت واقع شود. نگاه‌کردن یا نگاه‌نکردن به آلت بچه، آثار تربیتی‌ای چون الگوگیری

بچه از این کار و یادگیری عملی در پی دارد.

۱. مثل: آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور و حدیث مناهی، که در روش پیشین مورد بررسی قرار گرفت.

البته آیه ۳۰ سوره نور که مورد بررسی قرار گرفت، در این جا نیز نیز جریان دارد زیرا به مطلق حرمت نگاه کردن به اعضای جنسی دیگران نظر دارد و کودک ممیّز نیز در مشمول آن است. علاوه بر این ادله، روایات دیگری که به این امر دلالت دارند، به قرار زیر هستند:

روایت اول: موثقه جابر بن یزید

فِي رَوَايَةِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا حَضَرَ وِلَادَةَ الْمَرْأَةِ قَالَ أَخْرَجُوا مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ لَا تَكُونُ الْمَرْأَةُ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهِ (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۵۶۰)؛ امام زین العابدین عليه السلام هنگام وضع حمل زن، زنان را امر می فرمود از اتاق خارج شوند تا اول کسی که چشمش به عورت می افتد، نباشد.

روایت دوم: روایت سهل

سَهْلٌ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «لَا يَدْخُلُ الرَّجُلُ مَعَ ابْنَةِ الْحَمَّامِ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۶ش: ۱/۵۰۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲/۵۶)؛ مرد با فرزندش به حمام داخل نمی شود تا به عورتش نگاه کند.

روایت سوم: روایت امام صادق عليه السلام

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «بِئْسَ الْبَيْتُ الْحَمَّامُ يَهْتِكُ السِّتْرَ وَيُبْدِي الْعَوْرَةَ وَنِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَّامُ يُدَكِّرُ حَرَ جَهَنَّمَ وَمِنَ الْأَدَبِ أَنْ لَا يَدْخُلَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ مَعَهُ الْحَمَّامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ۷۳/۷۷)؛ «چه بد جایی است گرمابه؛ پرده را ببرد و عورت را پدیدار کند و چه خوب است گرمابه که سوزش دوزخ را به یاد آورد، و از ادب است کسی فرزندش را با خود به حمام نبرد که به عورتش بنگرد».

روایت چهارم: روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در کتب عامه نیز احادیثی به این مضمون وارد شده است:

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که: «غَطُّوا حُرْمَةَ عَوْرَتِهِ فَإِنَّ حُرْمَةَ عَوْرَةِ الصَّغِيرِ كَحُرْمَةِ عَوْرَةِ الْكَبِيرِ وَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى كَاشِفِ عَوْرَةٍ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ۷/۳۳)؛ حرمت

عورت صغیر را بیوشانید؛ همانا حرمت عورت صغیر مانند حرمت عورت بزرگ است و خداوند به کسی که کشف عورت می‌کند، نگاه نمی‌کند».

جمع‌بندی دلالت‌های احادیث ذکرشده و حکم فقهی آن

چنان‌که ملاحظه شد، فقط روایت اول از سند قوی برخوردار بود و در دلالت آن بر حرمت نگاه‌کردن به اعضای جنسی نوزاد تردید است. هیچ‌کدام از روایات ذکرشده دیگر سند قوی نداشتند، اما با توجه به کثرت آن‌ها و تأییدشان با عمومات، عدم جواز نگاه به اعضای جنسی دیگران، می‌توان به قدر متیقن و مشترک آن‌ها تمسک نمود و آن «حرمت نگاه‌کردن به اعضای جنسی بچه ممیز» نظر داد. چنان‌که ذکر شد، نگاه نکردن به اعضای جنسی بچه به نوعی آموزش جنسی عملی به کودک نیز محسوب می‌شود.

مباشرت نکردن با اعضای جنسی کودک

یکی دیگر از روش‌هایی که در ساحت تربیت جنسی، در متون اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است، «حرمت مباشرت با اعضای جنسی کودک بعد از شش سالگی» است.

روایت محمد بن یحیی

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْحَنْزَلِيُّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْنَتِهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتِّ سِنِينَ شُعْبَةٌ مِنَ الزَّانَا» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۴۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰/۲۳۰).

امیرالمؤمنین عليه السلام در این روایت، مباشرت زن با دخترش را نوعی از زنا برمی‌شمارد. اصل معنای «مباشرة» به معنای نزدیکی و به طرف خود کشیدن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۵۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۲)؛ هر چند معنای «جماع» را نیز ذکر کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴)، اما این معنا استعمال کنایه‌ای آن می‌باشد. از این رو، در این حدیث شریف، مباشرت به معنای «جماع» نیست. اما جای این سؤال است که: مراد مطلق مباشرت است و یا انواع خاصی از مباشرت

می‌باشد؟ به صورت قطع، مقصود حدیث نهی از مطلق تماس مادر با دختر نیست (مثل دست زدن به او و بغل کردن و بوسه و نوازش او)؛ مطلق تماس از اموری است که مورد تأیید دینی بوده و نه تنها در رابطه مادر با دخترش، بلکه در رابطه پدر با مطلق فرزندانش مستحب نیز می‌باشد.^۱ آنچه مورد نهی این حدیث می‌باشد، تماس با مواضع خاصی است که ملامست با اندام جنسی دختر هنگام حمام گرفتن و شستن آن در دستشویی از موارد شایع آن می‌باشد. از آن جایی که غالباً چنین کارهایی توسط مادر صورت می‌گیرد، روایت به این نکته تأکید دارد که بعد از شش سالگی دختر بچه از این کارها اجتناب کنید.^۲ اما این که تماس عریان با هر جای بدن بچه نیز مفاد این روایت باشد،^۳ قطعی نیست.

در واقع، با توجه به این که احتمال تحریک در تماس با مواضع خاص وجود دارد، امیرالمؤمنین علیه السلام از این کار به منظور پیش‌گیری از این انحرافات بعد از شش سالگی که تمییز این امر نزدیک تر می‌شود، نهی می‌کند. صاحب جواهر نیز به این حکمت اشاره دارد (نجفی،

۱. چنان که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُوسُفَ الْأَزْدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ مَا قَبَلْتُ صَبِيًّا قَطُّ فَلَمَّا وَدَى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ»؛ کلینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۶، ص ۵۰. همچنین در حدیث دیگری حُسن بوسیدن فرزند (به طور مطلق؛ هم از سوی پدر و هم از سوی مادر و با عدم اختصاص به سن کودکی) آمده است: عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً»؛ همان. احادیث مشابه دیگری نیز در این باره وارد شده است؛ ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۵.

۲. آیه الله «زنجانی» در «کتاب نکاح» هم در تعلیل اختصاص حکم به مباشرت با آلت بچه، به دو احتمال چنین اشاره دارند: «این معنا با معنای لغوی «مباشرت» متقارب، و با حکم آن که «شعبه من الزنا» است، تناسب دارد، زیرا این کار از مقدمات مجامعت حرام است که تنزیلاً زنا به حساب آمده است»؛ (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۳/۸۲۰).

۳. چنان که «مجلسی اول» چنین تفسیری دارد: «... بَأْنِ يَصِلُ بِدَنهَا عَارِيَا إِلَى بَدَنهَا أَوْ بَأْنِ تَمَسُّ فَرْجَهَا...»؛ (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۸/۳۴۴).

۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۸۴). چنانکه آیه الله زنجانی در «کتاب نکاح» هم آورده است: «این کار بر مادر حرام بوده و مرتبه ضعیفی از مفسده زنا در آن هست و برای مادر زمینه شهوت و فساد فراهم می‌کند؛ و همچنین حرمت این عمل به این جهت است که کودک را به زنا می‌کشاند و در او زمینه‌های فحشای بعد البلوغ را فراهم می‌کند» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۲۰). در دلالت این روایت ذکر چند نکته دیگر حائز اهمیت است:

- با این‌که روایت به عدم تماس مادر با مواضع خاص دخترچه شش ساله اشاره دارد؛ اما این امر شامل پدر و پسر نیز می‌شود. به این معنا که: پدر نیز ملزم به اجتناب از تماس با مواضع خاص دخترش می‌باشد و همچنین پدر و مادر ملزم به اجتناب از تماس با مواضع خاص پسرچه شش ساله می‌باشند. همچنین این حکم شامل دیگر افراد نیز می‌شود. به عبارت دیگر: از این روایت یک حکم کلی را می‌توان استخراج کرد و آن «عدم جواز تماس با آلات تناسلی کودکان بعد از شش سالگی توسط همه افراد» است. از این رو، این روش تربیتی عام بوده و فقط شامل مادر و والدین نمی‌شود. در دلیل این تعمیم می‌توان به «اولویت» اشاره داشت. با این توضیح که: وقتی مادر ملزم به اجتناب از تماس با مواضع خاص دخترچه می‌باشد، به طریق اولی پدر و دیگر زنان و مردان نیز ملزم به چنین اجتنابی می‌باشند. همچنین با «تنقیح مناط» نیز می‌توان به تعمیم این حکم قائل شد؛ زیرا معیاری که در لزوم اجتناب مادر از تماس با آلت دخترچه شش ساله می‌باشد، پیش‌گیری از تحریکات و انحرافات جنسی بوده و این امر در دیگر افراد، اعم از پدر و زنان و مردان دیگر نیز جریان دارد؛ چنانچه در طرف دیگر، در رابطه با پسرچه نیز جریان دارد. در واقع، ذکر حکم در رابطه مادر با دخترچه به دلیل انحصار حکم نیست، بلکه تأکید بر ترک کاری است که غالباً توسط مادر نسبت به دختر انجام می‌شود.

- تعبیر «شُعْبَةٌ مِنَ الزَّانَا» این عمل را تعبداً زنا برمی‌شمارد.

از این رو، از حدیث ذکرشده، از حیث دلالتی، حرمت مباشرت با آلت بچه بعد از

شش سالگی استخراج می‌گردد.

- به طور قطع، مورد حکم در جایی است که هیچ‌گونه قصد ملاحظه و گناه در تماس با آلت کودک نیست، زیرا در صورت چنین قصدی، قطعاً مرتکب حرام شده و بنا به دلالت أدله قطعی و أدله عامی و خاصی که گذشت، شبهه‌ای در حرمت آن نیست؛ آنچه در این روایت مورد تأکید است، دوری از تماس با آلت کودک، به منظور پیش‌گیری از انحرافات جنسی اوست.

از این رو، این روایت از حیث دلالت بر وجوب اجتناب اولیا و کلیه افراد از تماس با اعضای جنسی کودک بعد از شش سالگی دلالت دارد، اما سند روایت ضعیف است و نمی‌توان حکم فقهی از خصوص این روایت استخراج کرد. هرچند با توجه به عمومات دیگر، تماس با اعضای جنسی کودک در صورت قصد ملاحظه و گناه حرام است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم در عرصه تربیت جنسی، تعامل‌های مرتبط با اعضای جنسی متربی است. با توجه به امکان عدم اعتنا به این امر در سنین کودکی، پژوهش حاضر مسائل فقهی آن را مورد بررسی قرار داده و نتیجه کلی آن، لزوم پوشاندن اعضای جنسی خود از دید متربی ممیز و نگاه نکردن به اعضای جنسی او و آموزش آن به کودک ممیز است. در این حکم جنسیت متربی و مربی دخیل نیست و هم‌جنس بودن دلیل بر جواز نگاه کردن یا مباشرت با اعضای جنسی کودک نیست. از مهم‌ترین اثرات تربیتی این امر در آموزش جنسی متربی نیز جریان دارد و آموزش عملی نگاه نکردن به اعضای جنسی دیگران نیز محسوب می‌شود. با توجه به اهتمام زیاد اسلام به پوشانده ماندن آلت جنسی، حتی در صورت عدم ابتلای به ریبه و لذت، عدم جواز نگاه کردن به اعضای جنسی کودک و پوشاندن اعضای جنسی خود از او جریان دارد. این امر در اوقات خاص مجامعت، از تأکید بیشتری برخوردار است که هم مجامعت و هم عورت از دیده شدن محفوظ ماند. آموزش اجازه‌خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت اولیا از آن جمله است که چنین آموزشی در دوران کودکی برای پیشگیری از گناه و دیده شدن مجامعت و عورت مورد تأکید دین است. آموزش جنسی به کودک با شیوه‌های مستقیم و گاه غیرمستقیم، مثل قصه‌گویی و الگوی عملی نیز امکان تحقق دارد.

منابع

منابع فارسی و عربی

۱. ابن اشعث کوفی، محمد بن محمد، *الجغفریات*، تهران: مکتبه النینوی الحدیثیة، [بی تا].
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. اعرافی، علیرضا، *فقه تربیتی، مبانی و پیش فرض ها*، ج ۱، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، دوم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳ش.
۴. اعرافی، علی رضا، *فقه تربیتی؛ تربیت جنسی*، ج ۲۴، تحقیق و نگارش: احمد امامی راد، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ش.
۵. امامی راد، احمد و طوقی، مجید، «بررسی فقهی روش تربیت جنسی اجازه خواهی فرزندان هنگام ورود به اتاق خلوت اولیا (استیذان)»، *مطالعات فقه تربیتی*، سال چهارم شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
۶. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری)، *کتاب الطهارة*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۷. اوحدی، بهنام، *تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی انسان*، اصفهان، صادق هدایت، ۱۳۸۴ش.
۸. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ترابی، علی اکبر، *تاریخ ادیان*، تهران: اقبال، ۱۳۴۱ش.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حسینی روحانی قمی، *المسائل المستحدثة*، قم: دار الکتب، ۱۴۱۴ق.
۱۴. حلی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرائع*، قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۱۵. الدنبروک، هرمان، *فروخ خاور*، ترجمه: بدرالدین کتابی، تهران: اقبال، ۱۳۷۳ش.

۱۶. دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن (عصر ولتر)*، تهران: شرکت علمی و فرهنگی، [بی تا].
۱۷. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. شاله، فیلیسین، *تاریخ مختصر ادیان بزرگ*، ترجمه: منوچهر خدایار محبی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
۲۰. شبیری زنجانی، سید موسی، *کتاب نکاح*، قم: رأی پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. صدوق، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. طباطبائی بروجردی، حسین، *نهایة التقرير*، مقرز: محمد فاضل موحدی لنکرانی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۸ ق.
۲۴. طباطبائی حکیم، سید محمد سعید، *منهاج الصالحین*، بیروت: دار الصبوة، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ط - الحدیث)*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۹. عاملی، علی بن حسین، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)*، قم: کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. فاضل کاظمی، جواد بن سعد، *مسالك الأفهام إلى آیات الأحکام*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۵ ش.
۳۳. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن، *کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحکام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۷۳ش.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش.
۴۱. مجلسی، محمدباقر (مجلسی دوم)، *بحار الأنوار*، لبنان، مؤسسة الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (مجلسی دوم)، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ﷺ*، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۴۳. مجلسی، محمدتقی (مجلسی اول)، *روضه المتقین في شرح من لا يحضره الفقيه*، محقق مصحح: سید حسین موسوی کرمانی و دیگران، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور، ۱۴۰۶ق.
۴۴. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۴۵. موسوی، سید عباس و امامی راد، احمد، *کتاب جامع رضایت جنسی همسران*، قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۹۸ش.
۴۶. مهرین، مهرداد، *فلسفه شرق*، تهران: عطائی، ۱۳۵۷ش.
۴۷. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۴۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *رسائل و مسائل*، قم: کنگره نراقین ملامهدی و ملا احمد، ۱۴۲۲ق.
۴۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشيعة في أحكام الشريعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.
۵۰. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۵۱. نوری، یحیی، *اسلام و عقاید و آراء بشری (جاهلیت و اسلام)*، نهم، [بی جا]، بنیاد علمی و اسلامی مدرسه الشهداء، ۱۳۶۰ش.
۵۲. هندی، حسام الدین، *کنز العمال*، تحقیق: حسن رزوق، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مکتبه

التراث الإسلامي، ۱۳۹۷ق.

منابع لاتین

1. Carl Olson. (2005). The different paths of Buddhism: a narrative _ historical introduction. New Jersey: Rutgers University Press, PP 84 – 86.
2. David Biale. «Sex.» The Oxford Dictionary of the Jewish Religion. Oxford University Press, 1997 P 623.
3. Mircea Eliade. «Sexuality.» The Gale Encyclopedia of Religion, Vol 12, 2nd Ed. Macmillan Reference, 2004, PP 389 – 390.